

سه‌م بدهکار سه‌م طلبکار

نهاد دولت و بزرگترین صندوق بازنشستگی کشور
از یکدیگر مطالبات دارند

آیسان تنها: مهم‌ترین راه‌حل دولت برای کمک به حل بحران صندوق‌ها، واگذاری شرکت‌های دولتی از مجرای خصوصی‌سازی بوده است. مباحث گسترده‌ای در سال‌های اخیر پیرامون این موضوع شکل گرفته که اساساً آیا واگذاری شرکت‌های دولتی به صندوق‌های بازنشستگی صحیح است؟ آیا این واگذاری‌ها به حل مشکلات صندوق‌ها کمک کرده است یا بار مالی مضاعف داشته است؟ میرعلی اشرف عبدالله پوری حسینی، معاون وزیر اقتصاد و مدیرعامل سازمان خصوصی‌سازی، در این زمینه می‌گوید از اساس، دادن سه‌م به عنوان بدهی دولت را قبول ندارم. تصور می‌کنم اگر قرار است بدهی پرداخت شود، لاقبل به دست سازمان خصوصی‌سازی نباید صورت گیرد. دولت مالک است و می‌خواهد پالایشگاهی را که صد تومان می‌ارزد مبلغ ۲۰۰ تومان یا ۵۰ تومان به تأمین اجتماعی ببخشد. مصوبه تولید می‌کند و اگر مجلس هم آن را خلاف قانون تشخیص نداد، تبدیل به مصوبه لازم‌الاجرا می‌شود. اما هیچ کجای این فرایند، خصوصی‌سازی نیست.



۵۱

نباید فکر کرد در
دولت یازدهم
شانیت و مقام
صندوق‌های
بازنشستگی
گرفته شده.
اساساً از سال
۹۲ به بعد،
مجلس دادن
سه‌م به عنوان
رد دین را
ممنوع کرد و ما
هم در دولت
از این موضوع
استقبال کردیم؛
زیرا این کار را
خصوصی‌سازی
نمی‌دانستیم.

خصوصی‌سازی از زمانی آغاز شد که بحث پرداخت بدهی‌های دولت به صندوق‌ها مطرح شد. در این مرحله دولت عنوان کرد به جای پرداخت پول؛ دارایی، سهم، ملک، کارخانه، ساختمان و... به صندوق‌ها می‌دهد. ارزیابی من درباره اغلب این واگذاری‌ها این است که فاقد بازدهی مناسب برای این صندوق‌ها بوده است.

در سال‌های اولیه واگذاری‌ها، صندوق‌های بازنشستگی از قدرت چانه‌زنی به مراتب بیشتری برخوردار بودند. به عبارت دیگر در فهرستی که از سوی دولت‌ها ارائه می‌شد، صندوق برای دریافت شرکت‌های سودده که توان تولیدی بالایی داشتند، تلاش می‌کرد. حتی آن دسته از شرکت‌هایی که سودده نبودند و عموماً در لیست قرار می‌گرفتند، همان‌هایی بودند که صندوق‌ها می‌توانست در چرخه تولید، آنها را به سود برساند. ولی به مرور زمان این قدرت چانه‌زنی از صندوق‌ها گرفته شد. نظر شما در این زمینه چیست؟

درباره این سؤال ابتدا باید تأکید کنم که نباید فکر کرد در دولت یازدهم شانیت و مقام صندوق‌های بازنشستگی گرفته شده است. اساساً از سال ۹۲ به بعد، مجلس دادن سهم به عنوان رد دین را ممنوع کرد و ما هم در دولت از این موضوع استقبال کردیم؛ زیرا این کار را خصوصی‌سازی نمی‌دانستیم. شاید دید شما این باشد اگر سازمان خصوصی‌سازی بیشتر بفروشد، پول بیشتری نصیبش

همان‌طور که در جریان هستید صندوق‌های بازنشستگی وارد بحران شده‌اند، در این میان یکی از راه‌های مؤثر برای خروج از این بحران موضوع واگذاری‌ها عنوان شده است. به این معنی که دولت تصور می‌کرد با واگذاری بنگاه‌ها، هم بخشی از بدهی خود به صندوق‌ها را پرداخت می‌کند و هم به خصوصی‌سازی کمک کرده است. تحلیل شما از این موضوع چیست و روند واگذاری‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در اصل اینکه صندوق‌های بازنشستگی دچار مشکل هستند، تردیدی نیست. به نظر من دو دلیل وجود دارد که صندوق‌ها به چنین روزی افتاده‌اند: اول آنکه دولت بنا به دلایل مختلف در زمان خودش تعهدات قانونی خود را انجام نداده است و همین موضوع باعث ایجاد حفره‌ای در صندوق‌ها شده است. به عبارتی زمانی که در وقت مناسب، پول به دست صندوق برای سرمایه‌گذاری نرسد تا برای خود سود تولید کند، از ایفای تعهداتش باز می‌ماند. نکته دوم این است که تعهدات این صندوق‌ها بی‌حساب اضافه شده است. بدین معنی که هر جا می‌توانستند قانون وضع کنند، این کار را انجام داده‌اند و تعهداتی بر دوش صندوق‌ها قرار داده‌اند، بدون اینکه بار مالی آن را به‌طور اساسی تأمین کنند. این دو فرایند، سالیان سال ادامه پیدا کرده و فقط به یک مقطع خاص محدود نبوده است. این روند طولانی مدت بوده ولی شدت و ضعف نیز داشته است.